

بهبود فضای کسب و کار؛ ایجاد مسیری تندر و برای تولید

دکتر احمد تشکینی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گسترش صنعت

بر اساس اسناد بالادستی کشور از قبیل سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین برنامه‌های پنج ساله توسعه، دستیابی به مواردی همچون رشد اقتصادی، کاهش تورم، ایجاد اشتغال پایدار و ... در صدر اهداف اقتصادی مدنظر سیاست‌گذاران قرار دارد. در میان اهداف یاد شده نظام تولید به-عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی هر کشور از اهمیت مضاعفی برخوردار است، این امر بدان دلیل است که بدون وجود نظام تولید چابک و کارآمد، اهدافی همچون اشتغال پایدار، ثبات قیمت‌ها و ... تنها در حد رویا و سراب باقی خواهد ماند.

در این راستا برخی سوالات اساسی در ذهن متبادر می‌شود نخست آنکه دستیابی به نظام تولید چابک و کارآمد نیازمند کدامین زیرساخت‌ها و بکارگیری چه سیاست‌های حمایتی و تشویقی است؟ دوم آنکه شیوه حمایت از تولید چگونه باید باشد؟ و سوم آنکه میزان دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت چه میزان است؟ بطور کلی در پاسخ به سوالات یاد شده می‌توان بیان داشت که بهترین شیوه برای حمایت از تولید، ایجاد محیطی امن و مناسب برای حرکت روان و آسان فعالیتهای تولیدی است که مجموعه این عوامل در قالب راهبرد «بهبود فضای کسب و کار» قابل تلخیص است. مراد و مقصود از فضای کسب و کار نیز مجموعه عوامل موثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاههای حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساختها و ... است که تغییر آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاههای اقتصادی است. به بیان ساده‌تر بهبود فضای کسب و کار به مفهوم رفع موانع پیش‌روی بنگاهها و فعالان اقتصادی با هدف تسهیل و ساده‌سازی انجام فعالیت‌ها است. اهمیت بهبود فضای کسب و کار به حدی است که به‌عنوان مکمل (و حتی در مواردی جانشین) راهبرد خصوصی سازی شناخته می‌شود.

براساس گزارش سال ۲۰۱۱ بانک جهانی مهمترین موانع کسب و کار را (مبتنی بر نتایج نظرسنجی از صاحبان کسب و کار) «عدم اطمینان به سیاستهای کلان دولت»، «نرخ مالیات، مقررات مالیاتی و نظام دریافت عوارض و گستردگی جرایم اجتماعی»، «فساد و گستردگی اقتصاد زیرزمینی»، «میزان سهولت و هزینه دسترسی به منابع مالی»، «مهارت نیروی انسانی و مقررات نیروی کار»، «نظام حقوقی و قضایی» و «هزینه‌های حمل و نقل، دسترسی به زمین، انرژی و مخابرات» اعلام کرده است. شایان ذکر است مهمترین عوامل موثر بر بهبود فضای کسب و کار در قالب سه دسته مشتمل بر «دولت»، «نهادهای اقتصادی» و «نظام حقوقی و قضایی» قابل تقسیم‌بندی است.

دولت از جنبه‌های مختلف بر فعالیتهای اقتصادی اثرگذار است نخست آنکه سیاستهای کلان اقتصادی و سیاسی دولتها میتواند به شکل‌گیری نظام اقتصادی سالم، شفاف و شکوفا منجر شود (یا به گسترش فساد، اقتصاد زیرزمینی و حاکمیت اقتصادی ناکارآمد) و دوم آنکه دولتها می‌توانند هزینه‌های غیرضروری بر بنگاهها تحمیل کند و بی‌ثباتی و ریسک بوجود آورند.

نهادهای اقتصادی از این منظر دارای اهمیت می‌باشند که شکل‌گیری روابط مناسب بین بخشهای مختلف اقتصادی در سایه ساماندهی نهادهای اقتصادی است و بدون شکل‌گیری و تقویت آنها اطمینان لازم برای سرمایه‌گذاران حاصل نمی‌شود. عدم وجود نهادهای اقتصادی که پشتیبان فعالیتهای اقتصادی سالم می‌باشد هزینه‌های بیشتری بر کسب و کارهای کوچک تحمیل می‌کند. در حالیکه کسب و کارهای بزرگ با استفاده از رسانه‌ها و ... مشکلات را منتقل کردن و محیط را به نفع خود تغییر می‌دهند.

نظام حقوقی و قضایی نیز از این زاویه حایز اهمیت است که سرمایه‌گذار باید مطمئن باشد که هیچ خطری سرمایه‌وی را تهدید نمی‌کند و در صورتیکه سرمایه‌او مورد تعرض قرار گرفت نظام حقوقی و قضایی از سرمایه‌وی دفاع می‌کند. براین اساس قوانین و مقررات باید کارآمد باشد تا هرکس که به نظام حقوقی و قضایی نیاز دارد بتواند به آن در حداقل زمان ممکن دسترسی یابد.

براساس آنچه عنوان شد می‌توان بیان کرد که اولاً بهترین شیوه حمایت از تولید در شرایط کنونی اقتصاد ایران بکارگیری استراتژی بهبود فضای کسب و کار است. ثانیاً در راستای تحقق این استراتژی نیاز است تا دولت، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه اقدامات عملی گسترده‌ای در پیش گیرند.